



Woman in Development and Politics

Rereading the concept of social development in the prophetic policy system based on the position of women in Medina

Mohammad Javad Najafi¹ | Mohammad Hossein Rajabi Devani² | Mohammad Sepehri³

1. PhD student in the Department of History, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: mohammadgavad71@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Islamic Revolution Studies, Faculty of Culture and Social Sciences, Imam Hossein University, Tehran, Iran. E-mail: mrajabi@ihu.ac.ir
3. Full Professor, Department of History, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: mo.sepehri@iau.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 24 May 2023

Received in revised form: 23

July 2023

Accepted: 14 August 2023

Published online: 23 September 2023

Keywords:

prophetic government,
prophetic political system,
Medina women,
Social development of women.

ABSTRACT

Social Development is the most important indicators of the government's valuation to give the society a role to be effective in the society, especially for the women of the society This issue has been considered as the main issue with the case study of the Prophet's government. At the time when Islam appeared, almost women of all societies did not have a proper status and were deprived of even the most basic human rights. But Islam and the Holy Prophet (peace be upon him) paid great attention to restoring their true credibility. The attention that the social and cultural atmosphere of that day did not receive. The purpose of the research is to investigate the actions and policies of the Prophet of Islam in his government for the social development of women.

Therefore, the main question of the article is, what were the policies of the Prophet (peace be upon him) to develop the social position of women in the Prophetic government? which has been answered by descriptive-historical analysis method and taking samples from library sources. On this basis, the noble Prophet of Islam, by fighting against the dominant way of thinking and the theory of male gender superiority over women, rejecting the culture of behavioral violence against women and paying attention to honoring their personality, Attention and encouragement to learning science and paying attention to the intellectual ability of women, Supporting women against social harm And the establishment of the effective presence of women in social and economic affairs will lead to their social development in their government. This process requires a conceptual revolution and fundamental change based on which development is defined as excellence and the woman's position is promoted from a peripheral position to a central position.

This process is also completed in the light of understanding the concept of prophetic justice on the one hand and the concept of responsibility of believers towards others. In this context, the development starts from the individual and the primary social unit in which the individual is placed, and is established in the society on this basis. Al-Bit is formed in this process, in the space of cooperation. Therefore, the woman is placed in a structure based on cooperation and in the field of prophetic policymaking, the equal weight of men is defined in the path of social development. From the results of this new definition and reinterpretation, the presence and activity of women in various social and political events of the Muslim community, such as: emigration, pledge of allegiance, Hajj, the order of the famous and the prohibition of discrediting and criticizing the rulers of the government, participation in wars, consultation and consultation in government affairs, etc... is.

Cite this article: Najafi, M. J., Rajabi Devani, M. H., & Sepehri, M. (2023). Rereading the concept of social development in the prophetic policy system based on the position of women in Medina. *Women in Development and Politics*, 21(3), 615-636. DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.359854.1008344>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.359854.1008344>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

بازخوانی مفهوم توسعه اجتماعی در نظام سیاست‌گذاری نبوی با تکیه بر جایگاه زنان در مدینه

محمدجواد نجفی^۱ | محمدحسین رجبی دوانی^۲ | محمد سپهری^۳

۱. دانشجوی گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: mohammadgavad71@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده فرهنگی و علوم اجتماعی، دانشگاه جامع امام حسین، تهران، ایران. رایانامه: mrajabi@ihu.ac.ir

۳. استاد گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: m.sepehri@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: توسعه اجتماعی زنان، دولت نبوی، زنان مدینه، نظام سیاست‌گذاری نبوی.</p>	<p>توسعه اجتماعی، از مهم‌ترین شاخص‌های ارزش‌گذاری حکومت‌ها برای نقش‌دادن جوامع برای حضور اثرگذار در جامعه به‌خصوص برای زنان جامعه است که این موضوع با مطالعه موردی دولت نبی اکرم (ص) به‌عنوان مسئله اصلی توجه قرار گرفته است. در عصری که اسلام ظهور کرد، تقریباً زنان تمام جوامع از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند و حتی از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم بودند. اما اسلام و نبی اکرم به بازیابی اعتبار حقیقی آنان توجه فوق‌العاده‌ای کرد. توجهی که فضای اجتماعی و فرهنگی آن روز بر نمی‌تافت. هدف پژوهش، بررسی اقدامات و سیاست‌گذاری‌های پیامبر اسلام در دولت خود برای توسعه اجتماعی زنان است؛ بنابراین سؤال اصلی مقاله این است که سیاست‌های رسول‌الله (ص) برای توسعه جایگاه اجتماعی زنان در دولت نبوی چه بوده است که با روش توصیفی، تحلیل تاریخی و فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای به آن پاسخ داده شده است. براین‌اساس پیامبر بزرگوار اسلام با مبارزه با طرز تفکر و نظریه غالب برتری جنسیتی مرد نسبت به زن، طرد فرهنگ خشونت رفتاری با زنان و توجه به تکریم شخصیت آنان، اهتمام و تشویق به علم‌آموزی و توجه به توانمندی فکری زنان، حمایت از زنان در مقابل آسیب‌های اجتماعی و زمینه‌سازی حضور مؤثر زنان در امور اجتماعی و اقتصادی موجب توسعه اجتماعی ایشان در دولت خویش می‌شود. این فرایند مستلزم یک چرخش مفهومی و تغییر بنیادی است که بر مبنای آن، توسعه به‌عنوان تعالی تعریف می‌شود و جایگاه زن از موقعیتی پیرامونی به مکانی محوری ارتقا می‌یابد.</p>

استناد: نجفی، محمدجواد، رجبی دوانی، محمدحسین و سپهری، محمد (۱۴۰۲). بازخوانی مفهوم توسعه اجتماعی در نظام سیاست‌گذاری نبوی با تکیه بر جایگاه زنان در

مدینه. زن در توسعه و سیاست، ۲۱(۳)، ۶۱۵-۶۳۶. DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.359854.1008344>

DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.359854.1008344>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

در عصری که اسلام ظهور کرد، زنان تقریباً تمام جوامع از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند و حتی از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم بودند، اما اسلام و نبی اکرم به بازیابی اعتبار حقیقی آنان توجه فوق‌العاده‌ای کردند. توجهی که فضای فرهنگی آن روز بر نمی‌تافت و نمی‌پذیرفت. حضور هم‌پای زنان در گسترش و قوام اسلام برای مرد عربی که در ذهنیت خویش از زن تصویری جز تابعیت محض نداشت، تحمل‌ناپذیر بود و البته این برای زن عرب که یک‌باره از فضای بسته به محیطی پرحادثه و آزاد پا می‌گذاشت، فرصتی طلایی بود که به قضای مافات دست یابد و یک‌شبه ره صدساله بیماید (Soltani, 2011: 175). اعطای ارزش‌های انسانی به زنان و افزودن موقعیت اجتماعی آنان در جامعه اسلامی سبب شد تا هنجارهای اسلامی منطبق با ارزش‌های قرآنی، متکی بر آموزه‌های الهی ناظر به ترفیع جایگاه زنان در جامعه مطرح شود. رفع موانع حضور اجتماعی زنان و برداشتن ممنوعیت‌های اجتماعی و تصحیح تصورات جاهلی دربارهٔ زنان سبب شد تا عرصه‌های اجتماعی جدیدی برای حضور فعال زنان گشوده شود و تحقیرهای عصر جاهلی، جا را به ارزش‌های انسانی و تشویق‌های فرهنگی دهد. همین عامل سبب شد تا در عرصه‌های مختلف اجتماعی اعم از علمی، فرهنگی، حکومتی، سیاسی، نظامی و اقتصادی، بانوان حضوری همدلانه و فعال بیابند (Jan Ahmadi & Hashemi, 2018: 46).

بازدهی ارزش زنان به آنان تا جایی پیش رفت که آنان در برابر اعتقادات خویش نسبت به آیین نو به‌گونه‌ای شدند که بعد از تحمل سخت‌ترین شکنجه‌ها، شهادت را بر بازگشتن به آیندهٔ بدوی ترجیح دادند و آن‌چنان استقلال رأی یافتند که همسران بت‌پرست خود را رها می‌کردند و متواری می‌شدند و خود را به شهر پیامبر اسلام (ص) می‌رساندند. این نشان‌دهندهٔ بهبود موقعیت زنان در اجتماع اسلامی آن روز بود (Mohammadzadeh, 2016: 17). اما وصول به این آرمان و تداعی ارزش‌های اجتماعی برای زنان در نظام جدید کار ساده‌ای نبود و پیامبر بزرگوار اسلام برای حضور زنان در جامعه و توسعه و بهبود جایگاه اجتماعی آنان، مجبور به اخذ سیاست‌ها و رویکردهایی بود تا بتواند جایگاه اجتماعی آنان را از محدودیت خارج کند و سپس توسعه دهد. این مقاله به دنبال یافتن این سیاست‌ها با رویکرد مطالعات تاریخی است.

۲. پیشینه پژوهش

جایگاه و نقش زنان در صدر اسلام و پس از آن موضوع تحقیق و پژوهش علوم انسانی مختلف و متنوعی از منظرهای قرآنی، تاریخی، کلامی و حدیث، فلسفی، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی و... بوده است که هر یک از این‌ها در غالب پژوهش‌های تخصصی نکات و ظرایف علمی متعددی را

شامل می‌شود. از آنجا که این پژوهش با تکیه بر مستندات تاریخی به پاسخ مسئله اصلی مقاله می‌پردازد، معرفی و بررسی رویکردهای خاص در این موضوع، جنبه نو بودن پژوهش را بیشتر نمایان می‌سازد. در میان پژوهش‌های فراوان تاریخی درخصوص جایگاه و نقش زنان در صدر اسلام برخی از بعد حضور و عملکرد آنان در رویدادهای مهم نظامی آن دوران به‌عنوان اثرگذارترین حضور اجتماعی و سیاسی زنان یاد کرده‌اند (Madani Dehkhawarghani: 2014; Khademian: 2011)، برخی سیر رویدادهای این موضوع را با قلم تاریخی و روایی بیان کرده‌اند (Nouri 2011)، برخی با رویکرد تربیتی و سیره اخلاقی به دنبال ارائه الگوی مطلوب برای زنان بوده‌اند (Shafii Qomi, 2003) و برخی نیز از منظر شخصیت و نگرش‌های فکری (Alai Rahmani, 1990) در حول جایگاه زنان در این بازه زمانی به بحث و تطور علمی پرداخته‌اند. اما توسعه اجتماعی از آنجا که تداعی مفهومی جدید است، کمتر از دید تاریخی آن هم در بازه صدر اسلام و به‌ویژه در خصوص زنان مورد توجه قرار گرفته است. از طرفی در حوزه مطالعات زنان نیز علاوه بر اینکه کمتر مورد بحث قرار گرفته، بسیار مورد نیاز است. رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی به اصول و مفاهیم سیاست‌گذاری نبوی در امر توسعه اجتماعی و بررسی ارتقای جایگاه سیاسی-اجتماعی زنان ایده محوری پژوهش حاضر قرار گرفته است تا خوانشی جدید از مطالب مذکور را ارائه کند.

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

۲-۱-۱. توسعه اجتماعی، سیاست‌گذاری و جایگاه زنان در نظام نبوی

با پیدایش آیین محمدی (ص)، تمامی شئون زندگی گروندگان به این طریقت دستخوش تغییر شد و شکلی از نگاه سیاسی و اجتماعی گسترش یافت که به فرد و شهر معنایی تازه می‌بخشید. از این‌رو آنچه ما بر آن نظام سیاست‌گذاری نبوی، اطلاق می‌کنیم، با تکیه بر اصل جهان‌شمول تعالی «ناس» و «مؤمنین»، مسیر جدیدی را پیشنهاد می‌کرد که در آن، فرد، بیت و مدینه همبود و هم‌زمان با هم تعریف می‌شدند و در مسیر تعالی و توسعه یکپارچه قرار می‌گرفتند. از این‌رو فهم چیستی مفهوم توسعه از این منظر و پس از آن درک جایگاه زنان در این نظام تعالی محور اهمیت زیادی دارد.

۲-۱-۲. دولت نبوی

رسول‌الله (ص) پس از ورود به مدینه منوره که شرایط اجتماعی اعمال قدرت قضایی و سیاسی فراهم شد، در پیمان‌نامه عمومی سال اول هجری، امت واحده را برخلاف نظام قبیله‌ای استوار کرد. این پیمان، عقیده و معنویت دینی را همراه با وحدت ملی مورد توجه قرار داد و همه گروه‌ها و طبقات شهر، ناگزیر

از حمایت از مدینه منوره، کانون قدرت معنوی و سیاسی اسلام شدند. نخستین دولت اسلامی دارای تشکیلات مشخصی بود که در رأس هرم آن رسول‌الله قرار داشت. قوانین آن مبتنی بر قرآن و دستورات آن حضرت بود. بر همین اساس، کاربرد دولت به‌عنوان مجموعه‌ای از نهادها که تصمیم‌های جمعی برای جامعه تدوین و اجرا می‌کنند، بر دولت رسول‌الله (ص) منطبق است و هر چهار عامل اساسی زیربنای دولت شامل جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت را دارد (Montazer al-Qaim, 2016: 224-226). بازه زمانی دولت نبوی از سال اول هجری تا زمان رحلت رسول‌الله (ص) در سال یازدهم هجری است (Waghedi, 1989: 252; Ibn Hisham, 1996: 643). بی‌شک اقدام اصلی در حضور پیامبر بزرگوار اسلام در مدینه و شکل‌گیری دولت اسلامی، هجرت ایشان از مکه به مدینه بود. این اقدام بدون پشتوانه سیاسی و داشتن حمایت اجتماعی ممکن نبود. از این رو پیامبر قبل از انجام این مهم، از اهالی مدینه در مکه بیعت گرفتند. در این بیعت که به بیعت دوم عقبه مشهور شد و سپس به هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه انجامید، نام دو زن مدنی (ساکن مدینه) به نام‌های نسیمه بنت کعب و اسماء بنت عمرو بن عدی دیده می‌شود (Waghedi, 1989: 408-411; Tabari, 2023: 362). در روایت دیگری به نسیمه بنت حارث انصاری و خواهرش (Ondolusi, 1991: 1947) نیز اشاره شده است. آنچه مسلم است زنان در این بیعت سیاسی-اجتماعی مهم حضور داشته‌اند و با ایشان بیعت کرده‌اند که می‌توان آن را آغاز فعالیت رسمی زنان در دولت نبی گرامی اسلام دانست. پیامبر (ص) در مراسم مباحله با مسیحیان نجران در سال نهم هجری که یکی از حیاتی‌ترین وقایع سیاسی در زمان دولت‌داری ایشان بود و می‌توانست به بقا یا نابودی حکومت ایشان ختم شود، وجود مقدس حضرت زهرا (س) را نیز دخیل کردند که این نیز نشانه تکریم و ارزش‌گذاری جایگاه زنان و حفظ مشروعیت سیاسی آنان در طول دولت ایشان است (Majlesi, 1995: 341; Balazari, 1988: 75).

۲-۱-۳. جایگاه اجتماعی زنان در مدینه

جایگاه اجتماعی نشان‌دهنده موقعیت فرد در ساختار اجتماعی است. عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همواره تعیین‌کننده وضعیت فرد، گروه یا طبقات در جامعه هستند. هرچند کارکرد این عوامل در کنترل فرد یا گروهی نیست (Reisman & Angita, 2013: 17). جایگاه اجتماعی، یکی از مؤلفه‌هایی است که همه انسان‌ها به نحوی طالب آن‌اند. نظم اجتماعی براساس جایگاه اجتماعی انتسابی یا اکتسابی افراد مشخص می‌شود و بسیاری از تعارض‌های ارتباطی نتیجه نقض و بی‌توجهی به جایگاه اجتماعی پنداشته می‌شود. در پاسخ به اینکه جایگاه اجتماعی چیست، می‌توان آن را، هم نوعی

نیاز روانی برشمرد و هم در هر کنش اجتماعی، در سطوح ابتدایی تا کلان، ابراز آن را مشاهده کرد؛ برای مثال در سطوح ابتدایی، جایگاه اجتماعی با مسئله به حساب آمدن، محبوبیت و دوست داشته شدن و در سطوح کلان، با ارزش‌های فرهنگی مرتبط است. تداوم وضعیت و جایگاه اجتماعی نیز متأثر از این عوامل است؛ هرچند حاکمیت بیشترین تأثیر را بر این عوامل دارد (Nemati et al., 2021: 305)؛ بنابراین در این تحقیق، منظور از جایگاه اجتماعی زنان، شناخت و بررسی ارزش و عملکرد زنان در اجتماع و مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی عصر حکمرانی نبوی است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است؛ یعنی پژوهشگر می‌کوشد ابتدا جایگاه سیاسی اجتماعی زنان قبل از دولت نبی اکرم (ص) را در مدینه منوره تبیین کند و ضمن توصیف سلسله اقدامات، سیاست‌گذاری‌ها و رویکردهای اخذ شده توسط دولت نبوی، نتایج آن را براساس مفاهیم تعریف شده تحلیل کند. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای و اسنادی است.

۴. یافته‌های پژوهش

طرح‌افکنی چپستی توسعه^۱ یک ساختار^۲ یا سازمان^۳، همچون فهم آن، بدون توجه به بافتاری^۴ که آن ساختار یا سازمان درون آن واقع شده است، میسر نخواهد بود. این واقعیت ریشه در همبستگی و همبودی بخش‌های مختلف حیات بشری نظیر سیاست، اقتصاد، فرهنگ و... دارد که هر یک تجلیاتی از اندیشه و فکر آدمی است. بدین ترتیب با یک چرخه علی روبه‌رو هستیم: از طرفی توسعه پایدار و همه‌جانبه هر بخش از اجتماع منوط به توسعه بافتار محیط بر آن است و از طرف دیگر توسعه این بافتار وابسته به توسعه اندیشه و خرد عملی و نظری. پس سرانجام خرد توسعه‌گرا و توسعه‌اندیش، بنیان هرگونه توسعه‌ای خواهد بود.

توسعه در عصر حاضر تا حد زیادی همچنان از سوی بر مبنای عقلانیت ابزاری برآمده از نظریات پوزیتیویستی^۴ امثال کنت و وبر و از سوی دیگر در پرتو دریافت مارکسی از زیربنای اقتصادی تمامی روابط انسانی، بر مبنای رویکردهایی کمی‌محور سنجیده می‌شود؛ هرچند نظریات جدیدتر از آرای

1. structure

2. organization

3. context

4. Positivistic

مکتب فرانکفورت تا نظریه‌های پسااستعماری^۱ و از جریان‌های فمینیستی^۲ تا جنبش زیست‌محیطی^۳ به مقابله با این «سیطره کمیت» شتافته‌اند (Gunon, 2010)، همچنان پارادایم غالب، پوزیتیویستی است.^۴

بر مبنای پارادایم پوزیتیویستی، شاخص‌هایی برای توسعه در شاخه‌های مختلف آن در نظر گرفته می‌شود و توسعه قالب‌های اجتماعی بر مبنای آن سنجیده می‌شود. از این منظر، حتی شاخص‌های متأخر و بازنگری‌شده توسعه پایدار^۵ نیز که از احساس نیاز در بازنگری سیاست‌های بحران‌آفرین پیشین توسعه‌ای برآمده‌اند، تا حد زیادی در پرتو این سیطره کمیت هستند.^۶ این نگاه کمی در چارچوب تمدن اسلامی جایی ندارد و روایت نبوی از توسعه، با آنچه ما اکنون از این مفهوم دریافت می‌کنیم متفاوت است. با این حال این تفاوت چنان که باید از سوی نظریه‌پردازان مسلمان برجسته نشده و نوشته‌های زیادی درباره چپستی روایت اسلام از توسعه در دست نیست؛ آنچه هست بیشتر از منظر دریافت مدرن از این مفهوم نوشته شده است (برای نمونه بنگرید به: Al-Asal: 2008). اما تطبیق تام این مفهوم مدرن بر سیاست‌گذاری نبوی ممکن نیست؛ سیاستی که از سویی معطوف به نمو یکپارچه جامعه است و از سویی دیگر سعادت فردی را در دل سعادت مدینه^۷ تعریف می‌کند و امت را در پرتو امام^۸ و امام را در پرتو امت^۹ می‌بیند. این فرایند همچنین در پرتو فهم مفهوم عدالت نبوی از سویی و مفهوم مسئولیت مؤمنان در قبال سایرین تکمیل می‌شود.

در این بافتار، توسعه از فرد و واحد اجتماعی نخستینی که فرد در آن قرار می‌گیرد، آغاز و بر این مبنا در جامعه مستقر می‌شود. بیت در این فرایند برخلاف دریافت یونانی از خانه^{۱۰} و خانه‌داری^{۱۱} بر

^۱. Postcolonial

^۲. Feminism

^۳. Environmental movement

^۴. برای اطلاعات بیشتر در مورد سیر تحول مفهوم توسعه، رجوع کنید به مقدمه کتاب زیر:

Manohar Pawar, D. R. C. (eds) (2010). *Social Development: Critical Themes and Perspectives*. Abingdon: Taylor & Francis.

^۵. Sustainable Development

^۶. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

<https://www.un.org/sustainabledevelopment/sustainable-development-goals/>

^۷. «و لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (Alimran: 35).

^۸. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ آعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (Nahl: 36).

^۹. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (Anbiya: 107)

^{۱۰}. οἶκος, oikos

^{۱۱}. Οικονομικός

محور یک فرد بنا نمی‌شود، بلکه در فضای تعاون^۱ شکل می‌گیرد. از این‌رو زن در ساختاری مبتنی بر تعاون قرار می‌گیرد و در عرصه سیاست‌گذاری نبوی در مسیر توسعه اجتماعی، هم‌وزن مرد تعریف می‌شود.

۵. بحث

در این بخش، ضمن تبیین شرایط حاکم فرهنگی بر فضای عصر دولت نبوی و محیط‌شناسی حضور اجتماعی زنان قبل از ظهور اسلام و در دوره شکل‌گیری نظام سیاسی-اجتماعی پیامبر (ص)، سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات مؤثر برای رفع موانع حضور زنان در جامعه و توسعه اجتماعی آنان براساس مستندات تاریخی بیان می‌شود.

۵-۱. جایگاه اجتماعی زنان در عصر جاهلی

زن در خانواده عصر جاهلی جایگاه خاصی نداشت و فقط زنانی که صاحب فرزندان پسر می‌شدند، ام‌البینین یا منجبه شناخته می‌شدند (Jan Ahmadi & Hashemi, 2018: 55). اگر کسی را مژده می‌دادند که دارای فرزند شده‌ای، نخست می‌پرسید پسر است یا دختر. اگر پسر بود خوشحال می‌شد و اگر می‌شنید دختر است، از فرط خجالت و شرمساری از دیگران دوری می‌جست. گاهی هم به قدری تأثر او در اثر وضعیت خشن و غیرانسانی محیط زیاد می‌شد که با دستان خود پاره تنش را زنده‌به‌گور می‌کرد. اما پیامبر تعریف دیگری از زن در جامعه بیان کرد آنجا که فرمود الجنه تحت اقدام الامهات (بهشت زیر پای مادران است) و در خصوص دختر خود فاطمه زهرا (س) فرمود: «فاطمه بضعه منی من آذاها فقد آذانی و من آذانی فقد آذی الله؛ فاطمه پاره تن من است. هرکس به او آزاری رساند به من رسانده است و هرکس به من آزاری رساند، خدا را آزرده است.» پیامبر (ص) جهاد مردان را بذل مال و جان در راه خدا و جهاد زنان را شوهرداری نیکو معرفی کرد (Majlesi, 1995: 432).

همان‌طور که اشاره شد، ارزش‌گذاری پیامبر نسبت به زنان براساس آموزه‌های دینی و آیات قرآن بود. والدین به سبب حقوق زیادی که بر فرزندان دارند، در مکتب اسلام مقام و منزلت والایی دارند و قرآن کریم اطاعت و نیکی به پدر و مادر را پس از پرستش خدا و شهادت به وحدانیت خداوند مطرح کرده است «وَاعْبُدُوا اللَّهَ تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (Nesa'a: 36). با اینکه پدر و مادر هر دو حق بزرگی بر فرزندان دارند، در مورد احترام‌گذاردن و تکریم مادران سفارش بیشتری شده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَخِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا:

^۱ «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالدُّوَانِ» (Maide: 2)

آدمی را به نیکی کردن با پدر و مادر خود سفارش کردیم. مادرش بار او را به دشواری برداشت و به دشواری بر زمین نهاد و مدت حمل تا از شیر گرفتنش سی ماه است (Ahghaf: 15). در روایات اهل سنت است که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و آله) فرمود: اگر نماز نافله می‌گزاردی و پدرت تو را صدا زد، نماز را بر هم مزن و اگر مادرت تو را صدا زد، آن را بر هم مزن. این روایت اوج منزلت مادر و حق بزرگ او را بر فرزند نشان می‌دهد که در هنگام نماز که بالاترین عبادت‌ها است می‌تواند آن را بر هم زند تا پاسخگوی مادرش باشد. موضوع دیگر آنکه در بسیاری از روایات، محبت و احترام به مادر مقدم بر پدر است و دعای او هم بیشتر در حق فرزند به اجابت می‌رسد (Nouri, 1987, Vol. 1: 181). شاید این روایات، اشاره به احساسات لطیف و عواطف مادرانه او دارد که بسیار زودتر از پدر اندوهگین یا شاد می‌شود و در حق فرزند دعا می‌کند. از فرمایش‌های ایشان در این رابطه است: «پس از اسلام، هیچ مردی فایده‌ای بهتر و بافضیلت‌تر از داشتن همسر مسلمان نخواهد برد. همسری که نگرستن به او موجب شادی اش گردد و چون به او فرمانی دهد، اطاعت کند و در غیاب او از خود و مال او حفاظت نماید» (Beizun, 2004: 57).

۵-۲. مبارزه با تفکر برتری جنسیتی مرد نسبت به زن

قبل از ظهور اسلام، داشتن پسر افتخار بزرگ‌تری برای خانواده‌ها محسوب می‌شد و داشتن دختر ننگ و عار به‌شمار می‌رفت. یکی از دلایل زنده‌به‌گور کردن دختران همین تفکر غلط رایج در میان آن‌ها بود. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و آله) با برخورد کریمانه‌اش با دختران مخصوصاً حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) نقش زیادی در از بین بردن این عقیده غلط در میان مردم داشت. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و آله) در مقابل چشم مسلمانان حضرت فاطمه را می‌بوسید و او را پاره تن خود می‌خواند و خشم و غضب فاطمه را به منزله خشم و غضب خداوند می‌دانست و می‌فرمود: «خَيْرُ أَوْلَادِكُمُ الْبَنَاتُ، بهترین فرزندان شما دختران هستند» (Mouttaghi Hendi, 1988; Hadith: 49399). همچنین فرمود: «در هدیه و بخشش به فرزندان خود، بین آن‌ها به مساوات رفتار کنید و در صورتی که ناگزیر از ترجیح برخی از آن‌ها بر برخی دیگر باشید، دختران را بر پسران ترجیح دهید.» نیز فرمود: «هر که از بازار خرید کند و به منزل ببرد، ثواب کسی را دارد که می‌خواهد به نیازمندان صدقه بدهد. سپس هنگامی که می‌خواهد مایحتاج خانواده‌اش را به آن‌ها بدهد، باید اول از دخترها شروع کند و ابتدا به آن‌ها بدهد (Ibid: 45346) و می‌فرمود: «دختران مهربان‌اند، آماده کمک‌اند و وجودشان مبارک است» (Ibid: 45374). همچنین رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و آله) همیشه کراهت والدین را به داشتن فرزند دختر ناخوشایند می‌دانست و می‌فرمود: «لَا تُكْرَهُوا الْبَنَاتِ، فَإِنَّهُنَّ الْمُؤْنِسَاتُ الْعَالِيَاتُ؛ از اینکه فرزند شما دختر باشد کراهت نداشته باشید. به درستی که دختران مونس

انسان‌اند و گران‌بها هستند» (Majlesi, 1995, Vol. 13: 311). در دوران رسالت پیامبر اکرم نه تنها جایگاه انسانی زن و مرد تفاوتی نداشت، بلکه در حوزه مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی که تلاشی انسانی است، زن و مرد هردو می‌توانستند همسان فعالیت کنند. آن حضرت برای زنان همچون مردان حتی در حاکمیت نیز حقوق قائل بودند. سنت رسول‌الله (ص) نشانگر شرکت فعال زنان مسلمان در عرصه‌های مختلف است. بیعت آن حضرت با زنان، یکی از افتخارآمیزترین صفحات تاریخ اسلام است. به این ترتیب زنان در تحکیم حکومت رسول‌الله شریک شدند. همچنین زنان مسلمان همچون مردان در فعالیت‌های مختلف سیاسی دیگر نظیر هجرت، دفاع و حمایت از حاکم حکومت (رسول‌الله)، پناهندگی به مشرکان، مشورت و رایزنی در امور حکومت و تبلیغ برای پیشرفت دین مشارکت فعال داشتند. از نظر اسلام همان‌گونه که زن و مرد در وابستگی و استقلال وجودی مساوی‌اند، در بسیاری از امور مثل استقلال سیاسی و اقتصادی نیز یکسان‌اند.

۵-۳. مبارزه با فرهنگ خشونت علیه زنان

رسول گرامی اسلام خود در این مورد نمونه کاملی بود و برخورد و رفتار او با دخترش برای اعرابی که هیچ ارزشی برای دختران خود قائل نبودند، اعجاب آور بود. در روایت آمده است: «پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) دخترش فاطمه (سلام‌الله علیها) را بسیار تکریم می‌کرد. احترام پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) به دخترش بیش از آن چیزی بود که مردم تصور می‌کردند. نیز بیش از احترام معمول پدران به دخترانشان بود. آن حضرت بارها در برابر دوستان و بستگان و نیز در مقابل همه مردم فرمود: فاطمه سرور زنان جهان است، یا اینکه فاطمه همچون حضرت مریم (سلام‌الله علیها) دختر عمران است (Majlesi, 1995: 236). همچنین فرمود: «نزدیک‌ترین شما به جایگاه من در روز رستاخیز، کسانی هستند که با همسرانشان بهتر رفتار کنند» (Al-Hurr al-Aamili, 1982: 9).

آن حضرت حتی با زنان دشمن خود نیز -آنگاه که دشمنی شخصی بود و ضربه‌ای به جان و مال قاطبه مسلمان وارد نمی‌کرد- با خشونت رفتار نمی‌کرد؛ چنان‌که همسر ابولهب، ام جمیل دختر ابوسفیان و خواهر معاویه که نسبت به پیامبر هرگونه دشمنی را روا می‌داشت و سر راه پیامبر خار و خاشاک می‌ریخت، چه قبل از حکومت پیامبر بر مکه و چه پس از آن مورد قصاص و آزار از جانب پیامبر قرار نگرفت و مانند بقیه عفو عمومی گرفت (Ibn Athir, 1966, 60; Zarkali, 2017: 261).

قتیله دختر حارث بن علقمه، زمانی که برادرش (نضر بن حارث) که از سران مشرکان مکه بود در جنگ بدر کشته شد، در قصیده معروفی که برای او سرود، هیچ توهینی به پیامبر نمی‌کند، بلکه

خطاب به پیامبر گفت: «تو از نجیب‌ترین و اصیل‌ترین و شریف‌ترین مردانی» (Waghedi, 1989: 18; Tabari, 2003: 437; Zarkali, 2017: 357).

۴-۵. حمایت از زنان در مقابل آسیب‌های اجتماعی

پیامبر همواره برای زنان و کودکان نسبت به مردان احکام راحت‌تری را اجرا می‌کرد؛ به طوری که در خیانت بنی قریظه به مسلمانان در جنگ احزاب (سال ۵ هجری) که ممکن بود شاکله اسلام نابود شود، هنگامی که نسبت به مردانشان (براساس حکم سعد بن معاذ) تصمیم به اعدام گرفت، زنان آنان را حکم به اسارت داد و آن‌ها را اعدام نکرد (Ibn Hisham, 1996: 189-190; Zarkali, 2017: 193). در سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) و امام علی (علیه‌السلام) و دیگر امامان معصوم (علیهم‌السلام) می‌بینیم که آنان اهتمام ویژه‌ای در رسیدگی به امور زنان آسیب‌دیده مانند زنان سالخورده، زنانی که مورد ظلم قرار گرفته‌اند و زنان بیوه و یتیم‌دار داشته‌اند و داستان‌های متعددی در این باره نقل شده است. پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله) در این زمینه فرمودند: «آن که در کار بیوه و یتیم بکوشد، چون مجاهد راه خدا یا نمازگزار شب یا روزه‌دار روز است» (Majlesi, 1995, 57). رمله بنت ابوسفیان (ام حبیبه) با آنکه پدرش سردسته مشرکان مکه بود اسلام آورد و همراه با همسرش به حبشه هجرت کرد. آنجا هم در مقابل مسیحی شدن همسرش، ایمان خود را حفظ کرد و هنگامی که همسرش فوت شد و وی در حبشه بی‌سرپرست شد، پیامبر از او به واسطه نجاشی با مهریه ۴۰۰ دینار خواستگاری کرد. سپس به مدینه رفت و همسر پیامبر شد. وی چنان ایمانی داشت که زمانی که پدرش بعد از صلح حدیبیه به مدینه آمد تا نظر پیامبر از حمله به مکه را عوض کند، از وی استقبال نکرد. حتی چون خواست بر فرزندش پیامبر بنشیند، ام حبیبه آن را برداشت. ابوسفیان گفت: دخترم، فرزند من دور کردی یا مرا از آن؟ گفت: این فرزند رسول خدا است و تو فرد نجسی هستی. آن حضرت به سبب ایمان واقعی دختر ابوسفیان که سردسته دشمنان اسلام بود و آسیب‌هایی که دیده بود، از وی حمایت کرد و به هیچ وجه از این حرف برخی از مردم آن روز که نفر اول ایمان، دختر نفر اول کفر را به ازدواج و حمایت خود درآورده است نهراسید (Waghedi, 1989, Vol. 8: 96-99; Asghalani, 1994: 299; Ibn Kathir Damascus, 1932: 28; Ibn Athir, 1988, 315).

در مصداق تاریخی دیگری در این موضوع، در خصوص «ساره» آوازه‌خوان مکه بعد از جنگ بدر، مشرکان مکه به سبب مصیبتی که بر آن‌ها وارد شده بود، آوازه‌خوانی و غنا را ممنوع کردند و راه کسب درآمد ساره نیز بسته شد. بعد از گذشت دو سال از این واقعه، به مدینه آمد تا با پیامبر (ص) دیدار کند. وقتی نزد ایشان آمد، پیامبر (ص) به او فرمود: «ای ساره، آیا آمده‌ای تا مسلمان شوی؟»

گفت: «نه». فرمود: «آیا به مدینه مهاجرت کرده‌ای؟» گفت: «نه؟» فرمود: «برای چه به مدینه آمده‌ای؟» گفت: «نیازمند شده‌ام و آمده‌ام تا از شما کمک بخواهم.» فرمود: «مگر از آوازه‌خوانی درآمد کافی نداری؟!» گفت: «قریش دو سال است آوازه‌خوانی را منع کرده است.» پیامبر به بنی عبدالمطلب امر کردند تا به او کمک کنند و خوراک و پوشاک مورد نیازش را تأمین کنند (Tabarsi, 1987: 404; Waghedi, 1990: 860).

۵-۵. اهتمام به آموزش و بهره‌مندی از توانمندی فکری زنان

پیامبر اکرم (ص) در دولت خود در مدینه، زنان را به آموختن علم بسیار سفارش و تشویق می‌کرد و می‌فرمود: «زنان انصار چه خوب زنانی هستند که حیای آنان مانع از تحصیل علم و تفقه و کاوششان در دینشان نمی‌شود» (Al-Bukhari, 1980: 141). آن حضرت در این خصوص می‌فرماید: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه. ایشان در پی علم و دانش بودن را بر هر مرد و زن مسلمان واجب می‌دانست» (Tabarsi, 1987: 741). در این راستا، علم‌آموزی مستلزم آموزش از سوی کسانی بود که خواندن و نوشتن را بلد بودند و زنان آموزگار در آن دوره به سایر زنان این امور را آموزش می‌دادند؛ چنان که حفصه نزد شفاء نوشتن را آموخت و ام‌کلثوم بنت عقبه، عایشه بنت اسد و کریمه بنت مقداد نوشتن را آموزش دیده بودند و عایشه و ام سلمه خواندن را به‌تنهایی فراگرفته بودند (Belazari, 1996: 454). از احادیث منتسب به ایشان است که: «ما من مؤمن و لا مؤمنه و لا حر و لا مملوک الا و لله علیه حق واجبان يتعلم من العلم و يتفقه منه؛ هیچ زن و مرد مؤمن آزاد و بنده‌ای نیست، مگر آن که خداوند بر گردن وی حقی واجب گذاشته باشد و آن آموختن علم و تفقه در آن است» (Tabarsi, 1987: 782). به این ترتیب زنان هم‌پای مردان، از چشمه علم رسول خدا (ص) بهره می‌گرفتند و حتی برخی از زنان از حضرت رسول (ص) می‌خواستند زمانی را به تعلیم آنان اختصاص دهد تا هجوم مردان مانع تعلیم آنان نشود که پیامبر نیز روز خاصی از ایام هفته را خاص زنان قرار داده بودند (Al-Bukhari, 1980: 99). دعوت ایشان به علوم نظری یا به‌اصطلاح امروز علوم انسانی و معارفی خلاصه نمی‌شد، بلکه دستور به تعلیم علوم مختلف مانند طبابت و نگاشتن برای زنان داشتند (Ondolusi, 1991: 333). برخی زنان چون نسبیة بنت حارث (ام عطیه انصاری) از زنان بزرگ صحابه، هم در علوم انسانی (روایت و کتابت حدیث) و هم در علوم عملی (طب و درمان مجروحان) به تعلیم و تعلم می‌پرداختند (Waghedi, 1989: 455). امیه بنت قیس، رفیده، شفاء بنت عبدالله، حفصه بنت عمر، خالده، حفصه بنت محمد بن سیرین، اسماء بنت عمیس، عایشه، ام‌المنذر، اسماء بنت ابی بکر، اسماء بنت عمیس و زنان بسیار دیگری در دولت نبوی علوم طب مانند جراحی، چشم‌درمانی و روان‌درمانی را آموخته بودند و آموزش می‌دادند (Ibn Hisham, 1996: 688).

(Ibn Athir, 1988: 433 and 487). ام سلیم بنت ملحان از صحابه و بزرگ‌ترین راویان حدیث پیامبر و اهالی علم در مدینه بود؛ به طوری که عبدالله بن عباس (حدیث‌دان معروف) را از شاگردان وی برشمرده‌اند (Amin, 2011: 479). خیره همسر عامر بن حارث معروف به ام درء از نظر جایگاه علمی و اندیشه‌ای در محضر پیامبر بسیار آموخت و از متکلمان و محدثان بزرگ اسلام و مدینه شد و احادیث نسبتاً زیادی نیز از پیامبر نقل کرد. ابن اثیر جزری، ابن حجر عسقلانی و ابن عبدالبر اندلسی، وی را یکی از سرآمدان زنان متحد اسلام معرفی کرده‌اند (Ondolusi, 1991: 581; Asghalani, 1994: 447). ام ورقه بنت عبدالله بن حارث انصاری از قاریان زن در دولت نبوی بود که ضمن قرائت و حفظ قرآن در جمع‌آوری آیات مصحف شریف کوشا بود که پیامبر او را شهیده نامید و به او اجازه امامت نماز جماعت برای زنان داده بود (Asghalani, 1994: 289). فضه نویسه، خدمتکار حضرت زهرا (س) از دیگر قراء و حافظان قرآن در دولت نبوی و پس از آن است (Majlesi, 1995: 174). ام کلثوم بنت عقبه و کریمه بنت مداد از کاتبان و مدرسان قرآن بودند (Asghalani, 1994: 387). خوله همسر حمزه عموی پیامبر (Kahaleh, 1982: 122)، ام هانی (فاخته خواهر حضرت علی) (Wagheadi & 1989, 115; Zarkali, 2017: 322; Ondolusi,) (1991, 1935)، اسماء بنت عمیس (Ibn Athir, 1988: 396)، ام سعد انصاری (Asghalani, 1994, 456; Ibid: 586) و فضه (Majlesi, 1995: 174) از بانوان راوی حدیث زن در دولت نبوی بودند.

پیامبر همچنین در برخی امور با زنان مشاوره می‌کرد. برخی زنان در اجتماع مسلمانان، نقش برجسته‌ای در تقویت پایه‌های دین جدید ایفا می‌کردند. رسول خدا (ص) چنین افرادی را می‌ستود و به آنان وعده‌های معنوی بزرگی می‌داد. آن حضرت زنان را شایسته مشورت می‌دانست و برای آنان حق رأی قائل بود و در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی دولت نوپیاذ خود، نظر آنان را جویا می‌شد. حتی در پاره‌ای تصمیم‌گیری‌ها فقط به نظر زنان اکتفا می‌کرد؛ برای مثال در سال ششم هجری در جریان صلح حدیبیه، هنگامی که قریش پیامبر را مجبور کردند از ادامه سفر حج مفرده صرف نظر کند و سال بعد به مکه مراجعت کند، مردم خشمگین شدند و صحابه حضرت، دستور رسول اکرم (ص) را مبنی بر حلق و خروج از احرام (تراشیدن سر و قربانی کردن) را برناتفتند، پیامبر با ام سلمه، همسر خود رایزنی و مشورت کرد. نظر ام سلمه این بود که اگر آن حضرت، خود به گوشه‌ای رود و به حلق اقدام کند، همراهان نیز به او اقتدا خواهند کرد. رسول خدا (ص) نظر ام سلمه را به کار بست و مردم پس از پیامبر مانند او سرهایشان را تراشیدند و قربانی کردند (Tabari, 1994, 94). البته در برخی از احادیث رسیده از آن حضرت نیز مواردی به عدم مشورت با زنان اشاره شده که

منظور زنانی است که به کمال عقلی نرسیده‌اند یا براساس اسلام، شرایط مشاوره‌دهی و صفات مشاور را ندارند، مانند مردان بسیاری که از نظر اسلام و سنت، صلاحیت مشورت‌دهی را ندارند (Samani, 2008: 83-88). در روایت دیگری می‌فرمایند: درباره دختران خود با مادرانشان مشورت کنید (بی‌هقی، ۱۴۱۴: ج ۷، ۱۱۵). آن حضرت هم چنان که مشاوره زنان را پراهمیت می‌دانست، خود مرجع مشاوره زنان بود. از جمله این‌ها مشورت در ازدواج بود. آن حضرت به دلیل اینکه مرجع خیر برای جامعه مسلمانان شناخته شده بود، امید و مأوای هدایت برای مردم به خصوص زنان در تصمیم‌گیری‌ها و بر سر دوراهی‌های زندگی آنان بود؛ به طوری که زینب بنت جحش بن رثاب اسدی (دختر عمه پیامبر)، ام‌کلثوم بنت عقیه (خواهر رضاعی عثمان) و فاطمه بنت قیس در امر ازدواج خود از مشورت آن حضرت استفاده کردند (Ahmad bin Waghedi, 1989, 45; Ibn Asaker, 1966 19: 385; Hanbal, No date: 410).

۵-۶. زمینه‌سازی حضور مؤثر زنان در امور اجتماعی و اقتصادی

زن در عصر جاهلیت نخستین به تعبیر قرآن کریم، جایگاه انسانی و اجتماعی شایسته‌ای نداشت. در ذلت و خواری زن همین بس که حیاتش مایه ننگ و عار بود. البته زنانی همچون حضرت خدیجه نیز یافت می‌شدند که از کرامت و شأن بایسته برخوردار بودند، اما اینان جزو استثناها به‌شمار می‌آمدند (Fatahizadeh, 2011: 42). این نگاه بی‌ارزشی در امر ازدواج سرآمد بود و با مفاهیم تعالی و به خصوص شهوت‌های نفسانی بود؛ به طوری که پیش از اسلام هشت نوع ارتباط جنسی در قالب ازدواج مرسوم بود که اسلام تنها دو نوع آن یعنی ازدواج دائم و متعه را حلال اعلام کرد و مابقی را به جهت تکریم مقام و ارزش زنان و دوری از آسیب‌های اجتماعی حرام اعلام کرد (Rezai, 1999: 120). بر این اساس پیامبر چه در دوران حکومت‌داری خود و چه قبل از آن تلاش بسیاری انجام داد تا رسوخات فکری جامعه در این موضوع را برطرف کند و خود در این امر سرآمد بود؛ به طوری که در اوج شهوت جوانی، بنا بر روایات مشهود تاریخی با همسری ازدواج کرد که چندین سال از او بزرگ‌تر بود. این در حالی بود که زنان زیباروی بسیاری چون زینب دختر عمه پیامبر در کنار وی بودند، ولی براساس ارزش‌های الهی و مبانی فکری جدید با خدیجه بنت خویلد ازدواج کرد و تا حضور آن بانو نیز که در اوان ۵۰ سالگی پیامبر بود ازدواج دیگری نکرد. ازدواج‌های پس از آن نیز همه براساس مبانی اسلامی و مصالح جامعه اسلامی دولت خود صورت گرفت.

همچنین پیامبر نگاه به زنان در ازدواج و معیار ارزش‌گذاری مردان به آن‌ها را تغییر داد؛ به نحوی که ارزش مهریه زنان را در کنار مسائل مادی، معادل تعلیم و تعلم آیات وحی الهی قرار

می‌داد (Asghalani, 1994: 191). زمانی که می‌خواست دختر عمه خود زینب بنت جحش را که از زنان سرشناس آن روز در زیبایی و اصالت و نسب بود، به ازدواج با زید بن حارثه - که از این مصادیق ظاهری از جایگاه پایین‌تری نسبت به زینب برخوردار بود - درآورد، مهریه وی را تعلیم قرآن توسط زید قرار داد (Ibn Athir, 1988: 135).

ام عطیه روایت می‌کند: رسول خدا (ص) به ما و دختران بالغ و زنان خانه‌دار دستور داد از خانه خارج شویم و در نمازهای عید فطر و قربان شرکت کنیم (Nishaburi, 1980: 282). در زمان رسول‌الله (ص) برخی از اصحاب، زنان را از حضور در امور خارج از خانه منع می‌کردند، ولی با مخالفت آن حضرت مواجه می‌شدند که می‌فرمود: «همانا خداوند به شما زنان اجازه داده است که برای برطرف کردن حوائج خود از خانه خارج شوید» (Khamenei, 1989: 87). زنان خاندان پیامبر همواره در سفرها با او بودند. به تحقیق مفسران بزرگ، رسم اعراب جاهلیت چنین بود که گاه بی‌گاه و سرزده و بی‌اجازه به خانه یا اتاق‌های یکدیگر که همواره مانند دهات در گشوده بود می‌رفتند (حتی به خانه پیامبر) و در آیه ۵۳ سوره احزاب که می‌فرماید اگر نیاز به دیون کسی یا چیزی دارید، از پشت پرده یا در اجازه ورود بگیریید، منظور از پوشش هرگز پرده‌نشین ساختن زن در خانه نبوده است (Hekmat, 2009: 30). همسران رسول خدا (ص) نقش مؤثری در تغییرات فرهنگی، نقل احادیث فقهی داشتند. تعدادی از آنان در تحولات عصر بعد از نبی اعظم (ص) هم منفعل نبودند، بلکه با حضور در عرصه‌های مختلف، بر جهت‌گیری‌های سیاسی و تغییرات فرهنگی هم تأثیر گذاشتند (Salimi & Karimkhani, 2016). براساس منابع اهل سنت، ام سلمه سیصد و هفتادو هشت حدیث را از پیامبر نقل کرده است و این روایت‌ها در مکان‌ها و برهه‌های مختلف زمانی بوده که این نشان از اهتمام و تربیت به پیامبر به نقش اجتماعی و حضور زنان در اجتماع و منع گوشه‌نشینی آن‌ها دارد (Ahmad bin Hanbal, No date: 290). آزادی اجتماعی زنان در دولت نبوی طوری بود که آنان در اجتماعاتی که مردان نیز حضور داشتند، با رعایت اصول شرعی، راحت و بدون تکلف سوالات و موارد خود را از ایشان می‌پرسیدند و محدودیتی نداشتند (Waghedi, 1989: 252). این امر برگرفته از جریان‌سازی چندین ساله پیامبر در این راستا بود؛ به طوری که از همان ابتدای ظهور اسلام، مساجد مهم‌ترین مراکز تعلیم و تعلم عمومی بودند. در دوران رسالت و پس از آن، مسجد مرکز عبادت، علم‌آموزی و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود. مسجد این فرصت را برای زنان فراهم می‌کرد که در عبادات جمعی شرکت کنند، به قرائت قرآن توجه ورزند و سخنرانی‌های عمومی رسول اکرم (ص) و بزرگان دین را بشنوند، به‌علاوه با زندگی و مسائل مسلمانان آشنا و از اخبار اجتماعی و سیاسی ایشان آگاه شوند. به همین دلیل رسول خدا بر حق حضور زنان در مساجد تأکید

می‌ورزید و از مردان می‌خواست به همسرانشان اجازه دهند حتی در نماز عشا و صبح - که هنگام تاریکی اقامه می‌شد - شرکت کنند (Jalali, 2004: 115). بخاری از ابوسعید نقل می‌کند که در زمان دولت نبوی، مدتی طولانی یکی از خدام اصلی مسجدالحرام بانویی به نام ام محجن بود که هنگامی که از دنیا رحلت کرد، پیامبر اصحاب و نمازگزاران را جمع کرد و بر مزار او حاضر شدند و ضمن خواندن نماز بر پیکر او، مقام وی را تجلیل و برای وی دعا کردند (Ibn Athir, 1988: 617). آن حضرت در زمان خود یکی از درهای مسجدالنبی را مختص زنان و به نام باب النساء گذاشته بود تا ضمن تأکید بر حضور زنان در مسجد، ورود و خروج مردان و زنان با هم اتفاق نیفتد (Sajestani, No date: 137).

از مهم‌ترین مصادیق تکریم و توجه به حضور زنان در اجتماع در دولت نبوی، همراهی و اجازه حضور زنان در اجتماع حج سال ششم هجری در بین کفار مکه بود. حج اگرچه آیینی دینی بود و پس از آن هم به‌طور معمول انجام شد و شامل همه زنان و مردان اسلام بود، با توجه به اینکه مکه هنوز در دست کافران بود و آنان نیز مشاهده‌گر حضور حاجیان بودند، اجازه و همراهی زنان مسلمان با پوشش اسلامی که تعداد آن‌ها را چهار نفر به نام‌های ام سلمه، ام عماره، ام عامر اشهلیه و ام منیع گفته‌اند، نشان از توجه دولت نبوی و رویکرد آن حضرت بر حضور اجتماعی زنان دارد (Waghedi, 1990: 435).

در دولت نبوی، زنان برای شرکت در فعالیت‌های اقتصادی در جامعه به‌هیچ‌وجه منع نشدند، بلکه براساس شواهد تاریخی، پیامبر اسلام موافق حضور و انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط زنان بود؛ به‌طوری که یکی از همسران پیامبر به نام زینب بنت جحش، زنی کارگر و صنعت‌پیشه بود و کار می‌کرد و زحمت می‌کشید و در راه خدای تعالی اتفاق می‌کرد. پیامبر بارها او و کارش را تصدیق و تأیید کرده بود و پس از درگذشت پیامبر نیز از دسترنج خود ارتزاق می‌کرد (Fahim Kermani, 1995: 190-191).

ام رعله قشیرییه از زنان شاعره و سخنور عرب که به شغل آرایشگری زنان در مدینه مشغول بود، روزی از پیامبر اکرم (ص) در خصوص کار خود سؤال کرد و گفت: یا رسول‌الله من زنان را برای همسرانشان آرایش می‌کنم. آیا شغل آرایشگری در شأن یک زن مسلمان است؟ پیامبر فرمودند: مانعی ندارد. آنان را برای همسران خود آرایش و زینت کن (Ondolusi, 1991, Vol. 4: 1935; Asghalani, 1994: 390).

سلامه نیز زن مسلمان و دینداری بود که زندگی‌اش را از راه چرانیدن گوسفندان مردم و دریافت مزد از صاحبان آن‌ها اداره می‌کرد. هنگامی که پیامبر او را در هنگام چرانیدن گوسفندان دید از او

پرسید: سلامه، به چه چیزی ایمان داری و به چه چیزی شهادت می‌دهی؟ سلامه پاسخ داد: من به یگانگی خدا ایمان دارم و شهادت می‌دهم که محمد فرستاده خدا است. پیامبر با تبسمی او را تأیید کرد (Fahim Kermani, 1995: 71-72). از احادیث آن حضرت است که علموهن بالغزل؛ به زنان ریسندگی بیاموزید (Sadouq, 1983: 374). ریظه بنت عبدالله ثقفی، همسر عبدالله بن مسعود صحابی معروف پیامبر، صنعت‌گری می‌کرد و با فروش وسایلی که می‌ساخت، در تأمین هزینه‌های زندگی و خرج فرزندانش کمک‌حال همسرش بود؛ چنان‌که دیگر پولی باقی نمی‌ماند که به کس دیگری انفاق کند. روزی شرح‌حال خود را به پیامبر بازگو کرد و از ایشان کسب تکلیف کرد. پیامبر نه تنها کارکردن وی را تأیید کرد، بلکه در خصوص انفاق وی نیز فرمود: آنچه تو به خانواده‌ات انفاق و کمک می‌کنی، اجر و پاداشش نزد خدا برای تو باقی می‌ماند. پس این کار را ادامه بده و از انفاق به آن‌ها خودداری نکن (Waghedi, 1989: 290; Ibn Athir, 1988: 4). ام طیبه و ام عطیه انصاری از پزشکان حاذق زن آن زمان در پایتخت دولت نبوی یعنی مدینه بودند و توسط پیامبر نیز حمایت می‌شدند؛ به طوری که پیامبر برخی از رموز طب را به آن‌ها یاد داده بود (Asghalani, 1994: 260). علاوه بر این دامنه فعالیت اقتصادی زنان در حوزه طب به پایتخت دولت نبوی یعنی مدینه محدود نمی‌شد، بلکه در میان قبایل و نقاط انسان‌نشین دیگر نیز رواج داشت؛ به طوری که زنی به نام زینب در میان قبیله بنی ازد آن‌چنان در حرفه چشم‌پزشکی و درمان دردهای چشم حاذق بود که از دوردست برای درمان نزد او می‌آمدند و گاه شاعران معروف آن روز به درخواست معالجه‌شوندگانش، با قدردانی برای وی شعر می‌سرودند (Jesus Bak, 2004: 29). شفاء بنت عبدالله از زنانی بود که در مدینه اشتهار به طبابت داشت و زنان دیگر را در امور درمانی آموزش می‌داد. از جمله حفصه بنت عمر همسر پیامبر نیز از شاگردان وی بود (Ibn Athir, 1988: 177; Waghedi, 1989: 252).

عایشه، همسر پیامبر، از دیگر اطبایی است که ضمن دانستن علم طبابت به این حرفه نیز در دولت نبوی و پس از آن پرداخته است؛ چنان‌که ابن جوزی در کتاب صفوه الصفوه به روایت از هشام ابن عروه آورده که عروه به عایشه می‌گفت: مادر من از دانش تو در دین (فقه) شگفتی نمی‌کنم. از آن می‌گویم که همسر رسول خدا (ص) و دختر ابوبکری و نیز از دانش تو در شعر و ایام الناس عجب ندارم، از آنکه می‌گویم دختر ابوبکری که خود از دانشمندترین مردم در این فن بود، اما از دانش تو در پزشکی در شگفتم، عایشه دست بر شانه او زد و گفت: ای عروه در پایان زندگی رسول (ص) که از هر سوی نزد آن حضرت می‌آمدند و اوصاف و هر چیز را در محضر او برمی‌شمردند، من این دانش را از آنجا فراگرفتم (Jesus Bak, 2004: 22).

۶. نتیجه گیری

سیاست گذاری نبوی از سویی معطوف به نمو یکپارچه جامعه است و از سویی دیگر، سعادت فردی را در دل سعادت مدینه تعریف می کند و امت را در پرتو امام و امام را در پرتو امت می بیند. این فرایند همچنین در پرتو فهم مفهوم عدالت نبوی از سویی و مفهوم مسئولیت مؤمنان در قبال سایرین تکمیل می شود. در این بافتار، توسعه از فرد و واحد اجتماعی نخستی که فرد در آن قرار می گیرد، آغاز می شود و بر این مینا در جامعه مستقر می شود. بیت در این فرایند، در فضای تعاون شکل می گیرد. از این رو زن در ساختاری مبتنی بر تعاون قرار می گیرد و در عرصه سیاست گذاری نبوی در مسیر توسعه اجتماعی، هم وزن مرد تعریف می شود.

در این بافتار، مفاهیم نوینادی همچون مبارزه با تفکر برتری جنسیتی مرد نسبت به زن، مبارزه با فرهنگ خشونت رفتاری با زنان، حمایت از زنان در مقابل آسیب های اجتماعی، زمینه سازی حضور زنان در امور اجتماعی و اقتصادی طرح می شود و موضوعیت می یابد. این مفاهیم تا حدی توسعه می یابد که فضای جامعه پیشانیوی را به کلی به شکلی دیگر تغییر می دهد. از این رو ما بیش از اینکه با یک فرایند سخت روبه رو باشیم، با یک تغییر بنیادی در مفاهیم روبه رو هستیم که تضمینات و دلالات فراوانی دارد و مهم ترین دلالت آن این است که زن در فرایند تعالی مدینه، مکانت خود را بازمی یابد و از کارگزاری حاشیه ای به محور تبدیل می شود.

۷. پیشنهادها

سیره مدیریتی و حکمرانی نبوی (ص) مرجعی بسیار مهم برای الگوگیری جوامع بشری و کارنامه ای موفق و بدون انتقاد جهت تطبیق عملکرد حکومت های اسلامی است که رجوع و خوانش آن برای نظریه پردازان و اندیشمندان و مدیران اجرایی در همه سطوح، مایه دریافت حکمت و بینش است. این سیره مدیریتی ابعاد مختلفی دارد که از مهم ترین آن ها نحوه تعامل و جایگاه زنان در ساختار و بافتار جامعه است. به این ترتیب پیشنهاد می شود برنامه ریزان امور بانوان و پژوهشگران حوزه های علوم حکمرانی و تمدنی، به طور دقیق سیر مطالعاتی و پژوهشی منظمی در این مهم داشته باشند و ابعاد مختلف توسعه اجتماعی زنان در جامعه اسلامی را به عنوان بخش بسیار مهم و اثرگذار در جامعه انسانی بررسی کنند.

تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع است.

References

- The Holy Qur'an (In Arabic, with Persian translation).
- Ahmad bin Hanbal (2011). *Fazaell al-Amir al-Mu'minin Ali ibn Abi Talib*. Research and notes of S. A. b. Tabatabai, Qom: Daltaqsir. (In Arabic)
- Ahmad bin Hanbal, Masnad Ahmad bin Hanbal, Beirut: Dar al-Jalil. (In Arabic)
- Alai Rahmani, F. (1990). *Women from the perspective of Nahj al-Balagheh*. Tehran: Publishing Center of Islamic Propaganda Organization. (In Persian)
- Al-Asal, Ib. (2008). *Al-Tanmiye fi Islam Mafahim Manaheg va Tatbighat*. Beirut: Al-Jaamiyyah Institute for Education and Publishing. (In Arabic)
- Al-Bukhari, A. (1980). *Sahih al-Bukhari (Al Jame al-Bukhari)*. Istanbul: Muhammad Zendi Affandi Press. (In Arabic)
- Al-Hurr al-Aamili, M. (1982). *Wasa'il al-Shia or (Tafsil wasayil alshiyeat 'ilaa tahsil masayil alsharieati)*. Beirut: Al-Al-Bayt Lahiya Al-Terath Al-Arabic. (In Arabic)
- Amin, S. M. (2011). *Ayan al-Shia*. Beirut: Dar al-Ta'arf Lelmatboat. (In Arabic)
- Ansari, M. (2004). *Secrets of the Mubahaleh*. Qom: Dalil Ma Publications. (In Persian)
- Asghalani, A. (1994). *Al-Esabe fi Ma'arefate al-Sahabe*. Investigation: Adel Ahmed Abd Al-Mowgoud and Ali Muhammad Moawaz, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiyyah. (In Arabic)
- Balazari, A. (1988). *Fatuh al-Baldan*. Translated by Mohammad Tawakkel, Tehran: Agbar Publishing. (In Arabic)
- Beizun, L. (2004). Women in Islam. *Nahj al-Balagheh Specialized Quarterly*, 9-10, 34-65. (In Persian)
- Belazari, A. (1996). *Ansab al-Ashraf*. Research: Mohammad Baqir al-Mahmoudi. Beirut: Al-A'alami Institute for the Press. (In Arabic)
- Fahim Kermani, M. (1995). *A woman's face in the mirror of Islam and Quran*. Tehran: Farhang Islamic Publishing House. (In Persian)
- Fatahizadeh, F. (2011). *Women in Islamic History and Thought*. Qom: Bostan Kitab Institute. (In Persian)
- Gunon, R. (2010). *Quantitative rule and signs of the end of time*. Translated by A. M. Kardan. Tehran: Academic Publishing Center. (In Persian)

- Hekmat, F. (2009). The face of women in Islam and Iranian women in today's Shiism. *Nezhin Quarterly*, 174, 28-31. <http://dx.doi.org/13.2.11> (In Persian)
- Ibn Asaker, A. (1966). *Ta'aricke Medina Damascus*. Researched by: A. Shiri. Beirut: Dar al-Fekr. (In Arabic)
- Ibn Athir, A. (1966). *Al-Kaeal fi al-Tarikh*. Beirut: Dar Sader. (In Arabic)
- Ibn Athir, A. (1988). *Asdalghabah Fi Maarefate al-Sahabah*. Beirut: Dar al-Fekr. (In Arabic)
- Ibn Hisham (1996). *Sirah al-Nabaviyyah*. Translated by: S. H. Rasouli. Tehran: Kitabchi Publications. (In Arabic)
- Ibn Kathir Damascus, I. (1932). *Al-Bedaye va Al-Nehaye*. Cairo. (In Arabic)
- Jalali, S. (2004). Muslim woman; Screen sitting or social presence. Tehran: Alzahra University. (In Persian)
- Jan Ahmadi, F., & Hashemi, R. (2018). Sociological approaches of women's social roles in the institutions of Madinah al-Nabi at the beginning of Islam. *Historical Sociology*, 11(1), 45-64. (In Persian)
- Jesus Bak, A. (2004). *History of Hospitals in Islam*. Translated by N. Kasai. Tehran: Elmi Farhangi. (In Persian)
- Kahaleh, O. (1982). *Al-Aalam Fi Aalemi AL-Arab Va AL-Islam*. Beirut: Al-Resalah Publishing Institute. (In Arabic)
- Khademian, F. (2011). The effects of the role's women in the wars of the Prophet of Islam until the end of the rashedin caliphs. *Master's Thesis*. Shahrood: Shahrood Islamic Azad University, Faculty of Humanities. (In Persian)
- Khamenei, S. M. (1989). *Women's Rights*. Tehran: Tek Publishing. (In Persian)
- Madani Deh Khawarghani, S. B. (2014). *The role of women in the early wars of Islam (until the beginning of the Umayyads)*. Qom: Bostan Kitab Institute. (In Persian)
- Majlesi, M. B. (1995). *Bihar Al-Anwar*. Tehran: Islamic Bookstore. (In Arabic)
- Mohammadzadeh, M. (2016). *Women of the Infallible Imams (peace on him) and Women with the Infallible Imams (peace on him)*. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Montazer al-Qaim, A. (2016). *History of Islam until the 40th year of Hijri*. Isfahan: Isfahan University Press. (In Persian)

- Mouttaghi Hendi, A. (1988). *Kanz al-Amal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afal*. Beirut: Al-Resalah Publishing Institute. (In Arabic)
- Nemati, M. A., Shahidani, Sh., Sawaqib, J., & Shahrokhi, S. A. (2021). Investigating the social status of Safavid era painters from the perspective of historical texts (1148-907 AH). *Historical Sociology Quarterly*, 13(2), 301-349. (In Persian)
- Nishaburi, M. (1980). *Sahih al-Muslam*. by Mohammad Fouad Abdulbaghi, Istanbul: Dar AL-teba'ee Al-Amere. (In Arabic)
- Nouri Hamdani, H. (2003). *The position of women in Islam*. Qom: Mahdi Mououd Publications. (In Persian)
- Nouri, M. H (1987). *Mustardak Al-Vasayel*. Qom: Al-Al-Bait Al-Ehya'e Al-Tarath International Publications. (In Arabic)
- Ondolusi, Y. (1991). *Al-Estiaab fi Ma'arefate al-Sahabe*. Research: Ati Mohammad Al-Bajawi, Beirut: Dar al-Jeel. (In Arabic)
- Reisman, L., & Angita, M. (2013). *Sociology of strata and social barbarism*. Translated by: M. Qolipour. Tehran: Dzadak. (In Persian)
- Rezai, Gh. A. (1999). Women in Arab Ignorance. *Tehran University Faculty of Literature and Humanities Journal*, 113-126. (In Persian)
- Sadouq, M. (1983). *Man Layahzarahol Al-Faqih* (2nd Edition). Qom: Islamic Publications of the Qom Theological Seminary Society. (In Persian)
- Sajestani, S. (No date). *Sunan Abi Dawood*. By: M. Mohinuddin Abdul Hamid. Cairo: Dar Ihya Sunnah al-Nabiyyah. (In Arabic)
- Salimi, B., & Karimkhani, A. (2016). The position and role of the wives of the Messenger of God in the political and cultural developments of early Islam with an emphasis on the hadiths of the Fariqin. Tehran: *Second International Congress of Islamic Sciences*. Human Sciences. (In Persian)
- Samani, S. M. (2008). Consultation and advisors in the tradition and life of the Peshwayans, Tehran: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (In Persian)
- Shafii Qomi, H. (2003). *Earth Angels or Sample Women*. Rasht: Dehsara Publications. (In Persian)
- Shirkhani, A. (2011). *Allegiance in Shia political jurisprudence*. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (In Persian)

- Soltani, M. A. (2011). The image of a woman in Al-Mizan. *Bayanat Quarterly*, 9(24), 157-187. (In Persian)
- Tabarani, S. (No date). *Al-Mu'jam Al-Kabir*. Edited by: Hamdi Abdul Majid al-Salfi. Cairo: Al-Taimiyyah School. (In Arabic)
- Tabari, M. (1994). *Jame al-Bayan An Ta'avil Aaye al-Qur'an*. Research by Sedghi Jamil al-Attar, Beirut: Dar al-Fikr. (In Arabic)
- Tabari, M. (2003). *Tabari's Ta'arick*. Translated by: A. Payandeh. Tehran: Asatir Publishing House. (In Persian)
- Tabarsi, F. (1987). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Marafa. (In Arabic)
- Waghedi, M. (1989). *Tabaqat Al-Kobra*. Researched by: M. A. Q. Atta. Beirut: Dar al-kotab Al-Alamiya. (In Arabic)
- Waghedi, M. (1990). *Al-Maghazi*. Translated by: M. Mahdavi Damghani. Tehran: Academic Publishing Center. (In Persian)
- Zamani Mahboob, H., & Furqani, Q., & Yousefian, N. (2011). *The political and social role of women in the history of Islam*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences of Imam Sadiq (peace on him). (In Persian)
- Zarkali, Kh. (2017). *Al-Alam*. Beirut: Dar al-Alam Lalmaine. (In Arabic)